



تقدیم به

«مادرم»،

بافتهای از مهر و ایثار

مقدمه

می‌دونی که «دستور زبان فارسی» جزء مهم‌ترین و اساسی‌ترین مباحث درسیه و یاد گرفتن درست و دقیق این مبحث، تو فهم متن کتابای درسی و تجزیه و تحلیل بیت‌ها و عبارت‌ها نقش اساسی داره. به علاوه، تو آزمونای سراسری، همیشه پنج تا سؤال از ۲۵ تا سؤال ادبیات فارسی به دستور زبان فارسی اختصاص داره و درست جواب دادن به سؤالاتش، یعنی رسیدن به ۲۰ درصد که توی درصد کُلت خیلی مؤثره. این کتاب با **یه طرح نو و منحصر به فرد** - قطعاً به عنوان **جامع‌ترین منبع آموزش «دستور زبان فارسی»** - نتیجه تلاش بی‌وقفمون برای رسیدن تو به اهداف بلندته! برای تو که بهترین و بهترین رو می‌خوای! هم یاد گرفتن مباحث زبان فارسی رو با آموزش زنجیروار و منحصر به فرد برات آسون می‌کنه و هم با نکته‌های خاص کنکوری، تو پاسخ به سؤالی آزمونای سراسری، آزمایشی و... به دادت می‌رسه و از همه مهم‌تر، از تمام روش‌های نامناسب و غیر حرفه‌ای و ناکارآمد بیشتر کتابای موجود و نهایتاً هدر رفتن وقت و پراکنده‌خونی، حفظت می‌کنه. خلاصه، به جای این که مِت خیلی از کتابای دور و برت، با یه آموزش خشک و سطحی و بی‌فایده، رفع تکلیف کنیم و با یه تبلیغات دهن‌پُرکن و پرسروصدا، بازار گرمی راه بندازیم (!) به آموزش دقیق و بنیادی مباحث «دستور زبان فارسی» پرداختیم؛ جوری که مطمئن باش با این شیوه آموزشی، تو زبان فارسی «استاد» می‌شی. پس چشم از این کتاب بردار و بهش اعتماد کن. تک‌تک کلماتش با برنامه و هدفمند اومده.

ویژگی‌های استثنایی و شگفت‌انگیز این کتاب:

- آموزش حرفه‌ای و زنجیروار تمامی مباحث دستور زبان فارسی با تأکید بر مباحث محوری و اصلی کنکور (اجزای جمله، نقش دستوری واژه‌ها، گروه اسمی و وابسته‌های اسم، حذف و انواع آن، شیوه بلاغی، روابط معنایی واژه‌ها، واژه‌های هم‌آوا و ...) به ساده‌ترین و بنیادی‌ترین شکل ممکن!
- مثال‌های متعدّد و متنوّع از داخل و خارج کتابای درسی برا هر مبحث!
- فهرست‌های جامع و کاربردی! شامل: «فهرست تمام واژه‌های هم‌آوا، فهرست واژه‌های هم‌زه‌دار (که از نظر املائی مهمّان)، فهرست مهم‌ترین مصدرهای فعل‌های مرکّب، فعل‌های ناگذر و گذر (نیازمند مفعول، مسند، متمّم و ...)، شاخص‌ها، ممیّزها و ...»!
- نکته‌های خاصّ کنکوری که لابه‌لای متن درس‌نامه‌ها اومده به علاوه نکته‌های مربوط به بعضی تفاوت‌ها و راه‌های تشخیص مَثِ «تفاوت متمّم فعلی و متمّم قیدی، ترکیبای وصفی و اضافی، راه‌های تشخیص وابسته‌های پیشین و پسین اسم، راه‌های تشخیص فعل مرکّب و ...»!
- نکته‌های خاصّ و استثنایی بر اساس ذهنیّت طرّاح سؤال که باعث می‌شه تو جواب دادن به سؤال مربوط به اون نکته، بر اساس نظر طرّاح عمل کنی و تو کم‌ترین زمان ممکن به جواب برسی!
- بررسی «تله»های تستی مربوط به بعضی مباحث مهم‌تر، که با دونستنشون دستِ طرّاح برات رو می‌شه و مطمئنّاً بر خلاف بقیّه، به دام طرّاح سؤال نمی‌افتی و راحتِ راحت به تست مربوط، جواب درست می‌دی!
- بررسی و تحلیل عبارت‌ها و متن‌های نکته‌دار و کنکوری تو پایان هر درس برای تمرین بیشتر، که باعث تقویت بنیه علمی و افزایش مهارتت تو جواب دادن به سؤال می‌شه!
- مشاوره‌های کنکوری ویژه لابه‌لای متن درس‌نامه، که با خوندن و به کار گرفتنشون، موفقیتت تضمینه و رقیبات به گردتم نمی‌رسن!

■ تیپ‌شناسی کاملاً دقیق و علمی سؤالی زبان فارسی تو آزمونای سراسری، آزمایشی و... همراه با شگردهای پاسخ به سؤالی هر تیپ!

■ نمونه سؤالی زبان فارسی (۱۰۰ تست گلچین شده و برگزیده) از سال ۸۹ تا ۹۹ با پاسخ تشریحی که تو دو دسته جدا تفکیک شدن: ۱. سؤالات ساده و غیر ترکیبی که تعدادیشون لابه‌لای متن درس‌نامه پخش شدن و پس از مباحث‌های سؤال‌ساز اومدن و تعدادیشون هم تو بخش سؤالاتِ ته کتاب اومده؛ ۲. سؤالات ترکیبی - که ته کتاب قرار گرفته!

■ «خلاصه سحرآمیز» که یه خلاصه خاص و استثنایی از تمام مباحث کتاب به حساب میاد و برای مرور سریع، فوق‌العاده‌ست! و...

به این نشونه‌ها توجه کن...

شامل مطالبیه که به نوعی با مطالبی که می‌خونی ارتباط داره و نکته‌ای به نکته‌هایی که باید یاد بگیری اضافه می‌کنه.



● اول هر درس اومده و نشون می‌ده که هر مبحث، منبعش کجاست و به قولی، سر و کلهش از کجای کتابای درسی پیدا شده.

📖 **خوندنی:** شامل مطالب و نکته‌هایی که تکمیل‌کننده اطلاعات درباره‌یه مبحث یا موضوعه؛ مثلاً «خوندنی» مربوط به «متنم در جایگاه مسند» (صفحه ۱۲۰).

چه طور بخونی؟

■ قبل از خوندن مطالب درس‌نامه، به تیپ‌های اصلی سؤالی زبان فارسی نگاه کن تا اولاً متوجه بشی که تو آزمونا با چه تیپ سؤالی سروکار داری و ثانیاً بدونی که چه جور باید مباحث رو بخونی تا از پس جواب دادن به انواع سؤالا بریای.

■ تمامی مطالب درس‌نامه و توضیح مثال‌های مربوط به هر مبحث یا موضوع رو خوب و دقیق بخون! چون همه و همه مهمن.

■ آموزش مباحث و چیدمانشون بر اساس زنجیره ارتباطیشونه؛ یعنی مثلاً بین «واج و واژه و گروه و جمله» همچین رابطه‌ای برقراره و لازمه یادگرفتن یکی، یادگرفتن مبحث قبلیه. همین‌طوره بین «وابسته‌های پیشین و پسین و

وابسته‌های وابسته» یا بین «انواع جمله‌های چند جزئی» و ...

■ نمونه‌هایی که برا هر مبحث یا موضوع و ته هر درس اومدن، بعضیاشون نمونه‌های کتابای درسیّن و آدرس دارن (مثلاً «۱/۳» یعنی فارسی ۳ درس ۱) و بعضی دیگه نمونه‌های آزمونای سال‌های گذشته یا نمونه‌های خارج کتابای درسی هستن. روی تک‌تک‌شون وقت بذار! چون دقیق خوندنشون قدرت تجزیه و تحلیلت رو تو هر مبحث و نهایتاً موشکافی تست‌ها و تشخیص دادن جواب درستشون به شدت بالا می‌بره.

■ تک‌تک نکته‌هایی که لابه‌لای متن درس‌نامه اومده، نکته‌های مهم کنکورین که نظیرشو تو هیچ جا سراغ نداری و اگه با دقت بخونیشون، به هر سوآلی - حتی اگه از قلّه قاف هم بیارن (!) - می‌تونی جواب درست بدی و کلاه شادیتو بندازی هوا (!)

■ به فهرست‌هایی که برا بعضی مباحث اومدن مَثِ فهرست واژه‌های هم‌آوا، فهرست واژه‌های همزه‌دار، فهرست مهم‌ترین مصدرهای فعل‌های مرکب، فعل‌های ناگذر و گذر (نیازمند مفعول، مسند، متمم و ..)، شاخص‌ها، ممیّزها، و ... خیلی خیلی اهمیّت بده. اگه دقیق بخونیشون که دیگه بیا و ببین! از پس سوآلای مربوط به هر کدومشون، راحت برمیای.

■ بعد از خوندن مطالب هر درس هم، می‌تونی با نمونه تستای ساده و غیر ترکیبی (که لابه‌لای متن درس‌نامه اومده) آموخته‌هاتو بسنجی!

■ تو آخرین مرحله، نوبت به تستای ساده (غیر ترکیبی) و ترکیبی ته کتاب می‌رسه. اون‌جا می‌تونی با استفاده از همه آموخته‌هات خودتو محک بزنی. تو جواب دادن به این سوآلا، باید از تمام راه و چاره‌های استثنایی و منحصر به فردی که تو متن درس‌نامه و در قالب «نکته» و «توجه» و «تله»‌های تستی یاد گرفتی، استفاده کنی و مهارتت رو تو جواب دادن به تیپ‌های مختلف سوآلای زبان فارسی بسنجی.

مطمئن باش ...

مطمئن باش که همه مطالب این کتاب هدفمند و با برنامه چیده شده! پس همه رو دقیق بخون. نکنه قناعت کنی و از بعضیا فاکتور بگیری. راحت و بی هیچ نگرانی بخون و تست بزن تا به امید خدا موفق و پیروز بشی.

تشکر ویژه ...

لازم می‌دانم از صمیم دل از همه عزیزانی که در تدوین و آماده‌سازی این کتاب یاری‌ام کردند قدردانی کنم! به ویژه از:

- مدیر محترم انتشارات مهروماه جناب آقای احمد اختیاری که تألیف و چاپ کتاب، مرهون حسن نظر و یاری‌های ارزنده و سازنده ایشان است!
- سرکار خانم سمیرا سیاوشی، مدیر محترم واحد تولید انتشارات!
- دوست عزیزم جناب آقای محسن فرهادی، مدیر هنری انتشارات!
- دوست گرامی جناب آقای میلاد صفایی، مدیر فنی انتشارات!
- سرکار خانم لیلا سهرابی صفحه‌آرای این اثر و نیز سایر عزیزانی که در آماده‌سازی این اثر از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

از خداوند متعال برای تمامی این عزیزان سلامتی و بهروزی خواستارم.

سربلند و پیروز باشید

حمزه نصراللهی

 hamzeh.nasrollahi@gmail.com

 Telegram.me/Hamzeh_Nasrollahi

ارائه نظرات و پیشنهادات در مورد این کتاب با پیامک به شماره ۰۸۴۸۴۰۰۲۰۰

فهرست

۱۰ تیپ‌شناسی سؤالات کنکور

بخش ۱ واحدهای زبان (واج، تکواژه، واژه)

- فصل ۱: واحدهای زبان / مقدمات ۲۰
- درس ۱: واژه / ساختمان واژه ۲۷

بخش ۲ واحدهای زبان (گروه)

- فصل ۲: گروه / انواع گروه ۳۴
- درس ۲: گروه فعلی / ویژگی‌های فعل ۳۵
- درس ۳: ساختمان فعل ۴۴
- درس ۴: گروه اسمی / وابسته‌های پیشین و پسین / ترکیب وصفی و اضافی. ۵۱
- درس ۵: وابسته‌های وابسته ۷۹
- درس ۶: نقش‌های تبعی ۹۵
- درس ۷: گروه قیدی / انواع گروه قیدی ۹۹

بخش ۳ واحدهای زبان (جمله)

- فصل ۳: جمله ۱۰۶
- درس ۸: انواع جمله / جمله‌های چند جزئی ۱۰۶
- درس ۹: جمله ندایی / منادا ۱۴۸

بخش ۴ مباحث پراکنده و بازمانده ۱۵۱

- درس ۱۰: حذف / انواع حذف ۱۵۲
- درس ۱۱: شیوه بلاغی / جهش و جابه‌جایی ضمیر ۱۵۷
- درس ۱۲: فرایندهای واجی ۱۶۳
- درس ۱۳: شبکه معنایی / روابط معنایی واژه‌ها ۱۶۵
- درس ۱۴: وضعیّت واژه‌ها در طول زمان ۱۶۹
- درس ۱۵: معناها و نقش‌های مختلف حروف ۱۷۲
- درس ۱۶: کلمات یک تلفظی و دو تلفظی ۱۷۹
- درس ۱۷: «مُمال» در واژه ۱۸۰
- درس ۱۸: شکل و جایگاه همزه در واژه‌ها ۱۸۱
- درس ۱۹: املاي واژه‌های هم‌آوا ۱۸۳

سؤالات ساده و ترکیبی ۱۹۵

- نمونه سؤالات ساده (غیر ترکیبی) ۱۹۶
- نمونه سؤالات ترکیبی ۲۰۸

پاسخ‌نامه تشریحی ۲۱۱

خلاصه سحرآمیز ۲۳۹

بخش اوّل

واحد‌های زبان (واج، تکواژ، واژه)

۲۰

فصل ۱: واحدهای زبان / مقدمات

۲۷

درس ۱: واژه / ساختمان واژه



سُرمه‌ای (سُرمه + «ا» میانجی + «ی» نسبت)، خانگی (خانه + «گ» میانجی + «ی» نسبت)، دیوانگی (دیوانه + «گ» میانجی + «ی» مصدری) و...
۴ در برخی واژه‌های مختوم به «ه»، هنگام اضافه شدن علامت جمع «ان»، به جای «ه»، صامت میانجی «گ» می‌آید؛ ^{ملند} ← گویندگان، روندگان، سُرایندگان و... .

نمونه تست ؟

۱. کدام بیت فاقد «واج میانجی» است؟ (ریاضی ۹۳)

- ۱) افسر خاقان و آن‌گاه سر خاک‌آلود خیمه‌ی سلطان و آن‌گاه فضای درویش
- ۲) شیرین ننماید به دهانش شکر وصل آن را که فلک زهر جدایی نچشانند
- ۳) بخت پیروز که با ما به خصومت می‌بود بامداد از در من صلح‌کنان بازآمد
- ۴) ز عقل اندیشه‌ها زاید که مردم را بفرساید گرت آسودگی باید برو عاشق شو ای عاقل!

هجا

■ مقدار آوایی است که با یک بار باز شدن دهان ادا می‌شود و همان «بخش» در آموزش دوره ابتدایی است. **مثلاً «مدرسه» ۳ هجا داره (مَد + رِ + سِ) و «کتابخانه» از ۴ هجا ساخته شده (کِ + تاب + خا + نِ).**

⚠ توجه: هر هجا از ترکیب واحدهای کوچک‌تری به نام «واج» یا «حرف» (شامل صامت‌ها و مصوت‌ها) پدید می‌آید.



انواع هجا: هجاهای زبان فارسی از نظر امتداد، ۳ نوع است:

- ساختار ← صامت + مصوت کوتاه ^{مثال} ← به (= بِ)، تو (= تِ)، رِ
- این هجا را با علامت «U» نشان می‌دهند.

هجای کوتاه

هجای بلند	ساختار + به دو شکل ساخته می‌شود:
۱	صامت + مصوّت کوتاه + صامت مثال ← سَر، دِل، گُل
۲	صامت + مصوّت بلند مثال ← پا، سی، مو
	این هجا را با علامت « - » نشان می‌دهند.
هجای کشیده	ساختار + به دو شکل ساخته می‌شود:
۱	صامت + مصوّت کوتاه + دو یا چند صامت مثال ← لَعْل، کِشت، بُرد، تَمْبَر
۲	صامت + مصوّت بلند + یک یا چند صامت مثال ← کار، باخت، سیب، لوستَر (= لوستِر)
	این هجا را با علامت « U- » نشان می‌دهند.
	هجای کشیده + از نظر امتداد و کشیدگی، برابر با « یک هجای بلند (-) + یک هجای کوتاه (U) » است.

⚠ توجه: برای مشخص کردن هجاهای کلمات، باید کلمات را همان‌طور که می‌خوانیم و تلفظ می‌کنیم هجابندی کنیم؛ یعنی ← شکلِ ملفوظ کلمات مهم است نه شکلِ مکتوبشان.

-  **مثال:** خانه شکل ملفوظ ← خان هجاها ← خا + ن (۲ هجا)
-  **مثال:** تشکر شکل ملفوظ ← تشکُر هجاها ← ت + ش + ک + ر (۳ هجا)
-  **مثال:** تو شکل ملفوظ ← ت هجاها ← ت (۱ هجا)

🗨 نکته: در فارسی، هیچ هجایی با مصوّت آغاز نمی‌شود و مصوّت‌ها همیشه دومین واج یک هجا هستند؛ یعنی ← «ا، ا، ا، آ، ای، او» در واژه‌هایی مثل «اَبَر، اِسْم، اَرْدک، اَش، اِیران، اوستا و ...» با همزه آغاز می‌شوند و در شمارش واج‌ها، دو واج به حساب می‌آیند.

درس ۴

گروه اسمی / وابسته‌های پیشین و پسین / ترکیب وصفی و اضافی

فارسی ۲ (درس ۵، ۱۱، ۱۶) / فارسی ۱ (درس ۸ و ۱۷) / فارسی ۳ (درس ۵ و ۱۳)

گروه اسمی

■ گروه اسمی از یک اسم به عنوان هسته و یک یا چند وابسته تشکیل می‌شود **که البته** ← وجود هسته، اجباری و وجود وابسته، اختیاری است. **»** در واقع وقتی می‌گیم فلان کلمه تو فلان گروه اسمی «هسته» است، منظور اینه که اون کلمه، مرکز ثقل اون گروه اسمیه؛ اصل کاریه! صحبت اصلی در مورد اون کلمه‌ست؛ **مثلاً** ← تو گروه اسمی «ناهار خوش‌مزّه دیروز» صحبت در مورد ناهاره- که هسته‌ست- و «خوش‌مزّه و دیروز» وابسته‌های اون به حساب میان.

■ هسته گروه اسمی ← اولین واژه گروه اسمی است که کسره (ـِ) دارد. **»** حالا این هسته، می‌تونه یک یا صدتا وابسته پیشین و پسین هم داشته باشه.

وابسته‌های پیشین و پسین

■ وظیفه وابسته در گروه اسمی ← **۱** توضیح برخی ویژگی‌های هسته

۲ افزودن نکته تازه‌ای به هسته **»** مثالونگا کن:

» مثال: این سه دانش‌آموز زرنگ باهوش باصفا ...

+ دانش‌آموز ← هسته / این، سه ← وابسته‌های پیشین آن / زرنگ، باهوش، باصفا ← وابسته‌های پسین آن

⚠ توجه: برانشون دادن وابسته‌های پیشین و پسین یه هسته- عین شکل بالا- از وابسته باید به سمت هسته فلش بزنی. حواست باشه که نوک فلش (پیکان) باید به سمت هسته باشه.



انواع وابسته‌های اسم

- ۱ وابسته‌های پیشین **یعنی** ← وابسته‌هایی که پیش از اسم یا هسته می‌آیند.
- ۲ وابسته‌های پسین **یعنی** ← وابسته‌هایی که پس از اسم یا هسته می‌آیند.

تک تک این وابسته‌ها و انواعشونو، این جا برات توضیح دادم تا توپ توپ، یادشون بگیری و بتونی تو گروه‌های اسمی، اونا رو راحت تشخیص بدی:

انواع وابسته‌های پیشین اسم

- ۱ صفت اشاره ۲ صفت پرسشی ۳ صفت تعجبی ۴ صفت مبهم
- ۵ صفت شمارشی اصلی ۶ صفت شمارشی ترتیبی نوع ۱ (با پسوند ـ مین) ۷ صفت عالی (ترین) ۸ شاخص

■ مهم‌ترین آن‌ها ← این، آن، همین، همان، چنین، چنان، این چنین، آن چنان، این گونه، آن گونه، این طور، آن طور، این همه، آن همه، این قدر، آن قدر و ...

صفت
اشاره

🏠 **مثال: همین** کتاب را خواندم. / **چنین** کتابی ندیده‌ای.
صفت اشاره هسته صفت اشاره هسته

🗨️ همین‌طور در مورد بقیه صفت‌های اشاره مثلاً «این کتاب، آن کتاب، همان کتاب، چنان کتابی، این چنین کتابی، آن چنان کتابی و ...».

🗨️ **نکته:** به این دو تانکته مهم خیلی توجه کن:

- ۱ اگر بعد از صفت‌های اشاره (این، آن، همین، همان و ...) اسمی نیاید در این صورت ← دیگر صفت اشاره نیستند؛ بلکه ضمیر اشاره (= اسم) اند و نقش دستوری می‌گیرند.

🏠 **مثال: همین** را خواندم. / قیمت **این** را بپرس. / از **همان** ترسیدم.
ضمیر اشاره (متمم) ضمیر اشاره (مضاف‌الیه) ضمیر اشاره (مفعول)

- ۲ اگر بعد از صفت اشاره، اسم بیاید اما بین این صفت اشاره و آن

اسم، درنگ (مکث) باشد و از هم جدا باشند ← دیگر صفت اشاره و وابسته پیشین نیستند و خودشان، نقش دستوری جدا می‌گیرند.
مثال: این نقاشی، از کمال‌الملک است. / این، نقاشی زیبایی است.

صفت اشاره هسته

هسته (نهاد) مسند

تو جمله دوم، بین «این» و اسم بعدش یعنی «نقاشی» درنگ هست؛ پس «این» صفت اشاره نیست؛ بلکه هسته و نهاد جمله ست.

صفت

پرسشی

مهم‌ترین آن‌ها ← چه، کدام، کدامین، چند، چندمین، چه قدر، چه اندازه، چگونه، چه طور و ...

مثال: کدام شاعر را می‌شناسید که چنین شعری سروده؟
 صفت پرسشی هسته

مثال: چند شاهنامه در کتابخانه موجود است؟
 صفت پرسشی هسته

در مورد بقیه صفت‌های پرسشی هم وضع به همین شکله: چه کتابی؟ کدامین کتاب؟ چندمین کتاب؟ چه قدر کتاب؟ چه اندازه کتاب؟ چگونه کتابی؟ چه طور کتابی؟ و ...

نکته: اگر بعد از صفت‌های پرسشی اسمی نیاید در این صورت ← دیگر صفت پرسشی نیستند بلکه ← ضمیر پرسشی اند و نقش دستوری می‌گیرند.

مثال: از بین این مجموعه داستان‌ها، کدام را خواندی؟
 ضمیر پرسشی (مفعول)

صفت

تعجبی

مهم‌ترین آن‌ها ← چه، عجب، چه قدر

مثال: عجب حکایتی است تاریخ! چه مردانی که در دامان خود نپرورده!
 صفت تعجبی

مثال: چه قدر کتاب این جاست!
 صفت تعجبی

بخش چهارم

مباحث پراکنده و

بازمانده

- درس ۱۰: حذف / انواع حذف ۱۵۲
- درس ۱۱: شیوه بلاغی / جهش و جابه‌جایی ضمیر ۱۵۷
- درس ۱۲: فرایندهای واجی ۱۶۳
- درس ۱۳: شبکه معنایی / روابط معنایی واژه‌ها ۱۶۵
- درس ۱۴: وضعیت واژه‌ها در طول زمان ۱۶۹
- درس ۱۵: معناها و نقش‌های مختلف حروف ۱۷۲
- درس ۱۶: کلمات یک تلفظی و دو تلفظی ۱۷۹
- درس ۱۷: «مُمال» در واژه ۱۸۰
- درس ۱۸: شکل و جایگاه همزه در واژه‌ها ۱۸۱
- درس ۱۹: املاي واژه‌های هم‌آوا ۱۸۳



حذف / انواع حذف

درس ۱۰

○ فارسی ۲ (درس ۱۰ و ۱۵) / فارسی ۱ (درس ۷) / فارسی ۳ (درس ۱، ۳، ۱۸)

حذف

■ گاه نویسنده یا گوینده برای جلوگیری از تکرار، آن چه را خواننده یا شنونده می‌تواند حدس بزند، از جمله حذف می‌کند.
 ”حالا این حذف می‌تونه دربارهٔ فعل، اتفاق بیفته یا نهاد، یا ...“

انواع حذف

■ انواع حذف عبارت‌اند از: **۱** حذف به قرینهٔ لفظی **۲** حذف به قرینهٔ معنوی.

■ اگر حذف یکی از اجزای جمله (نهاد، فعل و ...) به دلیل تکرار همان جزء در بخش دیگر جمله و برای پرهیز از تکرار آن صورت بگیرد **می‌شود** حذف به قرینهٔ لفظی.

**حذف
به قرینهٔ
لفظی**

مثال: همنشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد.

+ فعل جملهٔ دوم (است) بعد از «بد» حذف شده؛ اما خواننده یا شنونده، از فعل جملهٔ اول (است) می‌تونه به حذف فعل جملهٔ دوم پی ببره؛ یعنی فعل «است» از جملهٔ دوم، به قرینهٔ لفظی موجود توی جملهٔ اول، حذف شده. اینومی‌گن «حذف به قرینهٔ لفظی».

مثال: هر نفسی که فرو می‌رود مُمِدّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرّح ذات.

+ فعل «است» بعد از «ذات» به قرینهٔ لفظی موجود توی جملهٔ اول حذف شده. عبارت دراصل به این شکل بوده: «هر نفسی که فرو می‌رود مُمِدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرّح ذات [است].»

موارد مهم حذف به قرینه لفظی

۱ حذف فعل

مثال: من بودم و دل بود و کناری و فراغی

این عشق کجا بود که ناگه به میان جست؟!

+ مصراع اول، چهارتا جمله داره؛ **به این شکل** (۱) من بودم. (۲) دل بود. (۳) کناری [بود]. (۴) فراغی [بود]؛ **اما** فعل «بود» تو جمله‌های سوم و چهارم به قرینه لفظی حذف شده.

۲ حذف جمله در جمله‌های مرکب

مثال: رفته بودم که او را ببینم، اما نتوانستم.

+ جمله «که او را ببینم» پس از «نتوانستم» حذف شده.

حذف به قرینه معنوی

■ اگر خواننده یا شنونده، از سیاق (مفهوم) سخن، به بخش حذف شده پی ببرد **می‌شود** حذف به قرینه معنوی.

مثال: حمید از دوستش پرسید: از نمایشگاه کتاب چه خبر؟

+ «از نمایشگاه کتاب چه خبر؟» **یعنی** «از نمایشگاه کتاب چه خبر [داری]؟»؛ که فعل «داری» به قرینه معنوی از جمله حذف شده.

» در واقع هیچ نشونه‌ای توی ظاهر جمله، خواننده یا شنونده رو به حذف فعل «داری» راهنمایی نمی‌کنه؛ **بنابراین** فقط از مفهوم عبارت می‌شه فهمید که فعل «داری» از این جمله حذف شده. اینومی‌گن «حذف به قرینه معنوی».

مثال: به جان دوست که غم پرده بر شما ندرد

گر اعتماد بر الطاف کارساز کنید

+ فعل «سوگند می‌خورم، قسم می‌خورم» بعد از «دوست» (توی مصراع اول) به قرینه معنوی حذف شده. در واقع، مصراع اول به این شکل بوده: «به جان دوست [قسم می‌خورم] که غم پرده بر شما ندرد.»

مُعَانَسْت به جای مؤانست

مَعَاثِر / مَعَاصِر به جای مآثر (آثار نیکِ برجای مانده از کسی) و ...

نمونه تست ؟

۳۶. در متن زیر، چند غلط املایی وجود دارد؟ (تجربی ۹۱)

«وزیر گفت: هر آن چه از اوامر و نواهی فرمودی، از سر تعملات درونی و فراست بود و زبده کلمات با فصاحت و عمدۀ قواعد بلاغت. فرمان پذیرم. امید است که این زمین منشأ لعالی دولت تازه و سعادت‌تی نو باشد و از علامات قبض و بسط شاه صفاتی چند بر تو شمارم تا مراقب خطرات و مواظب اوقات باشی که از آن حذر باید کرد.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

املاي واژه‌های هم‌آوا

درس ۱۹

فارسی ۱ (درس ۳ و ۱۶) / فارسی ۲ (درس ۵) / فارسی ۳ (درس ۱ و ۱۰)

واژه‌های هم‌آوا

منظور از واژه‌های «هم‌آوا» ← واژه‌هایی است که تلفظ (شکل گفتاری) کاملاً یکسان اما کتابت (شکل نوشتاری) متفاوت دارند.

فهرست مهم‌ترین واژه‌های هم‌آوا در زبان فارسی

آذار	از ماه‌های رومی؛ معادل ماه اول بهار (فروردین ماه در تقویم شمسی)
آزار	اذیت کردن، آزردن
آذر	(۱) آذرماه (نهمین ماه در تقویم شمسی) (۲) آتش
آزر	نام عمو و به تعبیری دیگر نام پدر حضرت ابراهیم (ع)



آقا	سرور، بزرگ (عنوانی احترام‌آمیز برای اشخاص)
آغا	خاتون، بانو، اخته شده (نامرد)
اثرات	جمع «اثر»؛ اثرها، نشانه‌ها
عثرات	جمع «عُثرَة»؛ لغزش‌ها، خطاها
أجل	زمان مرگ، مرگ
أجل	جلیل‌ترین، باشکوه‌ترین (صفت تفضیل عربی)
عجل	عجله، شتاب
ارض	زمین
ارز	۱) پول خارجی که در داخل کشور خرید و فروش می‌شود. ۲) ارزش و بها
عرض	۱) پهنا (≠ طول) ۲) بیان، بیان کردن
اساس	پایه، پی، بنیان
اثاث	اسباب و وسایل خانه و ...
أسیر	به اسارت درآمده، گرفتار، دستگیر شده، محبوس
أثیر	کره آتش - که بالای کره هواست -
عصیر	عصاره، شیره یا آبی که از فشردن گیاهان و میوه‌ها به دست می‌آید.
اشباح	جمع «شبح»: آنچه به صورت سیاهی به نظر می‌آید، سایه موهوم از کسی یا چیزی؛ سیاهی‌ها، سایه‌ها
اشباه	۱) جمع «شبهه»؛ ماندها، همانندها ۲) جمع «شبهه»: نوعی سنگ سیاه براق؛ سنگ‌های سیاه براق
الفا	لغو کردن، باطل کردن
القا	تلقین کردن، آموختن و یاد دادن
اناء	کوزه
عناء	درد و رنج، محنت
انتساب	نسبت داشتن، منسوب بودن
انتصاب	نصب کردن، به کاری گماشتن (منسوب کردن)

نمونہ سوالات

سادہ و ترکیبی

۱۹۶

۲۰۸

نمونہ سوالات سادہ (غیر ترکیبی)

نمونہ سوالات ترکیبی



نمونه سوالات ساده (غیر ترکیبی)

جدای از تمام تستایی که لابه‌لای متن درس‌نامه کتاب، برا محک زدن و سنجش آموخته‌ها ت اومده، یه مجموعه گلچین شده هم از تستای ساده (غیر ترکیبی) و ترکیبی برات آوردم تا نهایتاً بری سروقتشون و از شرمندگیشون دربیای. مطمئن باش که اگه درس‌نامه کتاب رو خوب خوب خونده باشی، این مجموعه گلچین شده و دقیق از تستای کنکور که همه تیپ‌های سؤالی زبان فارسی رو پوشش می‌ده، برات کافی کافیه و به بیشتر از اون هیچ نیازی نداری. پس ببینم چه می‌کنی!

۳۸. با توجه به مصراع‌های زیر، اجزای کدام مصراع‌ها از «نهاد+فعل» تشکیل شده است؟
(ریاضی ۹۹)

الف) بسیار فرق باشد از اندیشه تا وصول
ج) سعدی از این پس نه عاقل است نه هشیار
ه) دی به چمن برگذشت سرو سخنگوی من
ب) دلیل صدق نباشد نظر به لاله و سنبل
د) ز سر به در نرود همچنان امید وصال
۱) الف، ب، د
۲) الف، د، ه
۳) ب، ج، ه
۴) ب، د، ه

۳۹. در کدام ابیات، «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟
(ریاضی ۹۹)

الف) غنیمت دان در این عالم وصال سبز خطان را
ب) مگردیده است چشم خوش نگاه آن سمن بررا؟
ج) نیچد سر ز زخم گاز شمع ما سیه روزان
د) دل خود را به صد امید کردم چاک از این غافل
ه) عرق رخسار آن خورشید طلعت بر نمی‌دارد
که باغ خلد این ریحان جان پرور نمی‌دارد
زمین خانه بردوشان عمارت بر نمی‌دارد
گل این باغ شبنم از لطافت بر نمی‌دارد
که بار شانه آن زلف معنبر بر نمی‌دارد
که چشم از پشت پانرگس ز خجلت بر نمی‌دارد
۱) الف، ب، ه
۲) الف، ج، د
۳) ب، ج، د
۴) ب، ج، ه

۴۰. در میان مصراع‌های زیر، اجزای چند جمله «نهاد + مفعول + فعل» است؟
(تجربی ۹۹)

الف) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویشش
ج) تو در عالم نمی‌گنجی ز خوبی
ب) نشستم تا برون آیی خرامان
د) دوست دارد آن که داری دوستش
۱) دو
۲) سه
۳) چهار
۴) پنج

۴۱. تعداد «وابسته‌های وابسته» در کدام بیت، بیشتر است؟ (تجربی ۹۹)

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) آن که ناوک بر دل من زیرچشمی می‌زند | قوت جان حافظش در خنده زیر لب است |
| ۲) شهسوار من که مه آینه‌دار روی اوست | تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است |
| ۳) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست | گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست |
| ۴) شرح شکن زلف خم اندر خم جانان | کوتاه نتوان کرد که این قصه درازست |

۴۲. «ترکیب‌های اضافی» در کدام بیت، بیشتر است؟ (انسانی ۹۹)

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱) شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد | دفتر نسرین و گل را زینت اوراق بود |
| ۲) از دم صبح ازل تا آخر شام ابد | دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود |
| ۳) رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار | دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود |
| ۴) حسن مه‌رویان مجلس گرچه دل می‌بردودین | بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود |

۴۳. در کدام گزینه، دو نوع وابسته وابسته دیده می‌شود؟ (انسانی ۹۹)

- | | |
|---|--|
| الف) به چشم اشکبار من چه خواهد کرد حیرانم | که باغ خلد این ریحان جان پرور نمی‌دارد |
| ب) مجوی عیش خوش از دور باژگون سپهر | که صاف این سر خم جمله دردی آمیز است |
| ج) خنده جام می و زلف گره‌گیر نگار | ای بسا توبه که چون توبه حافظ بشکست |
| د) خط به گرد لب جانبخش تومی دانی چیست؟ | ظلماتی که از آن چشمه حیوان سر زد |
- (۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د

۴۴. در بیت زیر، نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟ (انسانی ۹۹)

- «گریه تلخ است چون گل حاصلش از زندگی عمر خود هر کس که صرف شادمانی کرده است»
- | | |
|----------------------------|-------------------------------|
| ۱) مسند، نهاد، مفعول، نهاد | ۲) نهاد، متمم، نهاد، مسند |
| ۳) مسند، متمم، مفعول، نهاد | ۴) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، بدل |

۴۵. نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

(ریاضی خارج ۹۹)

- «آرام نیست آبله‌پایان شوق را مانع نگردد از حرکت، آب را حباب»
- | | |
|--------------------------------|----------------------------------|
| ۱) نهاد، متمم، مضاف‌الیه، نهاد | ۲) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، نهاد |
| ۳) نهاد، مفعول، مفعول، متمم | ۴) مسند، مفعول، مفعول، مضاف‌الیه |



۴۶. نقش واژه‌های مشخص‌شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟
(انسانی خارج ۹۹)

«غافل نکند بستر گل، شبنم ما را در دیده روشن گهران خواب نیاید»

- (۱) مسند، نهاد، مفعول، نهاد
(۲) نهاد، مفعول، مسند، نهاد
(۳) نهاد، مسند، مفعول، مسند
(۴) مسند، نهاد، مفعول، مسند

۴۷. معنی واژه ردیف در کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟ (ریاضی ۹۸)

- (۱) از دل سنگین لیلی کعبه جان ساختند
(۲) خضر را زخم نمایان گشت عمر جاودان
(۳) از هوسناکان حذر کن کاین گروه بی ادب
(۴) می توان دامان بوی گل گرفت از دست باد
از غبار خاطر مجنون بیابان ساختند
تیغ سیراب تو را روزی که عریان ساختند
مصر را بر یوسف بی جرم زندان ساختند
وای بر جمعی که وقت خود پریشان ساختند

۴۸. در همه ابیات، مضاف‌الیه مضاف‌الیه وجود دارد، به جز: (ریاضی ۹۸)

- (۱) خواهی که سرفراز شوی همچو زلف یار
(۲) هر کس که دید قامت آن سرو سیم تن
(۳) شد مدتی که دیده اخترشمار من
(۴) مرید جذبه بی اختیار منصورم
در پای یار سرکش خورشیدچهره آفت
ای بس که خاک پای صنوبر به دیده رفت
یک شب ز عشق نرگس پر خواب او نخفت
که سر عشق تو را در میان میدان گفت

۴۹. «ان» در کدام مصراع‌ها به ترتیب «نشانه جمع، صفت فاعلی، نشانه نسبت» است؟
(تجربی ۹۸)

- (الف) کجا افتاد آن مجنون در این دوران نمی دانم
(ج) به جز تو در همه گیتی دگر جانان نمی دانم
(ب) چه می خواهد از این مسکین سرگردان نمی دانم
(د) در این حدیقه هنوز از سیاهکارانم

- (۱) الف، ب، د (۲) الف، د، ج (۳) د، الف، ب (۴) د، ب، ج

۵۰. در همه مصراع‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؛ به جز: (تجربی ۹۸)

- (۱) درون فروماندگان شاد کن
(۲) خداوند زر بر کند چشم دیو
(۳) کرم خوانده‌ام سیرت سروران
(۴) مرگان تو دل را هدف تیر ستم ساخت

خلاصه سحرآمیز

این بخش معجونی از خلاصه مهم‌ترین مباحثیه که تا این جا خوندی؛ از مباحث و نکته‌های کلی مربوط به واج و واژه و اجزای جمله و گروه‌های فعلی و اسمی و قیدی و هسته و وابسته و وابسته‌های وابسته و ترکیبای اضافی و وصفی گرفته تا حذف و انواع حذف، شیوه بلاغی، روابط معنایی واژه‌ها، وضعیت واژه‌ها در طول زمان، معنای مختلف حروف، واژه‌های هم‌آوا و مباحث مهم دیگر. هیچی جا نمونده. مطمئن باش با خوندنشون، همه مباحثی رو که تو درس‌نامه کتاب خوندی، یه بار دیگه به طوریه جا و کلی، مرور می‌کنی و می‌تونی به همه سؤالی دستور زبان فارسی عین آب خوردن جواب بدی.



واحدهای زبان

واج: کوچک‌ترین واحد صوتی (آوایی) زبان است که معنا ندارد اما تفاوت معنایی ایجاد می‌کند؛ **یعنی** ← می‌تواند در یک ساخت آوایی، جانشین آوای دیگر شود و آن ساخت را به ساخت دیگری تبدیل کند.

■ زبان فارسی دارای ۲۹ واج است:

- ۱ ■ ۲۳ صامت **شامل** ← ء (=ع)، ب، پ، ت (=ط)، ث (=س، ص)، ج، چ، ح (=ه)، خ، د، ذ (=ز، ض، ظ)، ر، ژ، ش، غ (=ق)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، ی
- ۲ ■ ۶ مصوّت **شامل** ← ۳ مصوّت کوتاه (ـِ، ـَ، ـُ) و ۳ مصوّت بلند (ا، ای، او)
- در زبان فارسی، صورت ملفوظ واج‌ها مهم است نه صورت نوشتاری آن‌ها.
- هنگام شمارش واج‌ها ← به صورت ملفوظ واژه‌ها و ترکیبات توجه می‌کنیم نه صورت نوشتاری (مکتوب) آن‌ها.

هجا (بخش): مقدار آوایی است که با یک بار باز شدن دهان ادا می‌شود.

■ انواع هجا: هجاهای زبان فارسی از نظر امتداد، ۳ نوع است:

هجای کوتاه	<p>■ ساختار ← صامت + مصوّت کوتاه مثال ← به (=ب)، تو (=ت)، ر</p> <p>■ این هجا را با علامت «U» نشان می‌دهند.</p>
هجای بلند	<p>■ ساختار ← ۱ صامت + مصوّت کوتاه + صامت مثال ← سر، دل، گل</p> <p>۲ صامت + مصوّت بلند مثال ← پا، سی، مو</p> <p>■ این هجا را با علامت «-» نشان می‌دهند.</p>
هجای کشیده	<p>■ ساختار ← ۱ صامت + مصوّت کوتاه + دو یا چند صامت مثال ← لعل، کشت، بُرد، تَمْبُر ۲ صامت + مصوّت بلند + یک یا چند صامت مثال ← کار، باخت، سیب، لوشتر (=لوشتر)</p> <p>■ این هجا را با علامت «U-» نشان می‌دهند.</p> <p>■ هجای کشیده ← از نظر امتداد و کشیدگی، برابر با «یک هجای بلند (-) + یک هجای کوتاه (U)» است.</p>

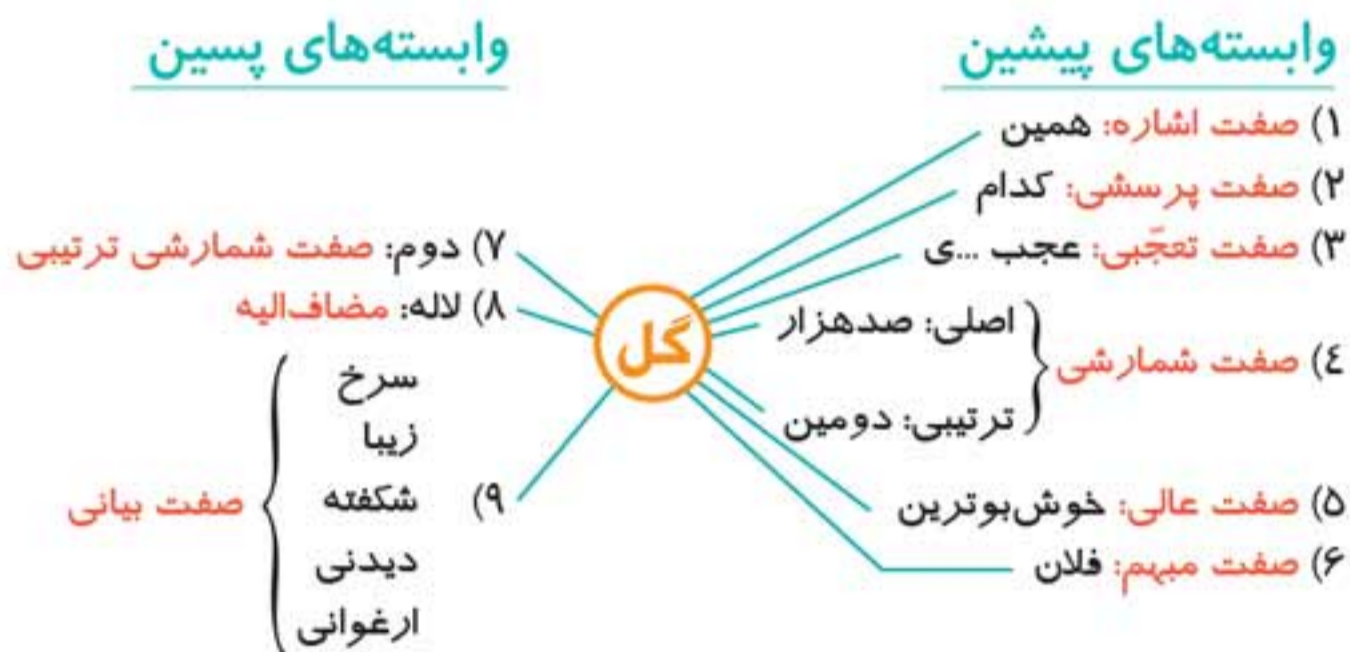
خلاصه سحرآمیز (مهروماه)

۳ اگه دو یا چند تا صفت پسین برای یه اسم اومد ← هر کدوم از اون صفت‌ها، جداگونه یه وابسته پسینن.

۴ تو ترکیبای اضافی ← مضاف‌الیه (اسم دوم) می‌شه وابسته پسین.

۵ اگه دو یا چند تا مضاف‌الیه برای یه اسم اومد ← هر کدوم از اون مضاف‌الیه‌ها جداگونه می‌شن یه وابسته پسین.

۶ اگه قبل یا بعد از یه اسم، شاخص اومده بود ← اون شاخص می‌شه یه وابسته پیشین.



وابسته‌های وابسته

■ در یک گروه اسمی - که از هسته و وابسته تشکیل می‌شود - گاه، وابسته می‌تواند وابسته دیگری داشته باشد که به آن، «وابسته وابسته» گفته می‌شود.

انواع وابسته‌های وابسته:

۱ **صفت صفت:** برخی صفت‌ها، دربارهٔ اندازه و درجهٔ صفت‌های همراه خود بیشتر توضیح می‌دهند که به آن‌ها می‌گویند ← صفت صفت.

مثال: رنگ سفید شیری

۲ **قید صفت:** اگر در یک گروه اسمی، بین هسته و صفت پسین (وابسته پسین) قیدی بیاید که آن قید، نوع، کیفیت، حالت یا درجهٔ آن صفت را مشخص کند، به آن «وابسته وابسته» از نوع «قید صفت» گفته می‌شود.



مثال: هوای نسبتاً خوب



۳ مضاف‌الیه مضاف‌الیه: اگر هسته گروه اسمی، وابسته پسین از نوع مضاف‌الیه داشته باشد و سپس، خود آن مضاف‌الیه نیز، یک وابسته از نوع مضاف‌الیه داشته باشد، به آن مضاف‌الیه دوم، وابسته وابسته از نوع «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» گفته می‌شود.

مثال: کتاب تاریخ ایران



۴ صفت مضاف‌الیه: اگر هسته گروه اسمی، یک وابسته پسین از نوع مضاف‌الیه داشته باشد و سپس، برای خود آن مضاف‌الیه نیز، یک وابسته از نوع صفت (چه پیشین و چه صفت پسین) بیاید، آن صفت، وابسته وابسته از نوع «صفت مضاف‌الیه» نامیده می‌شود.

مثال: کتاب پسر بزرگ‌تر / کتاب همین مرد



۵ ممیز: برای شمردن تعداد، اندازه، وزن و یا مسافت و ... بین عدد و معدود (یا همان صفت شمارشی اصلی و موصوف آن) اسمی می‌آید که «ممیز» نامیده می‌شود.

مثال: دو دستگاه رادیو



صفت شمارشی اصلی ممیز اسم

فهرست مهم‌ترین ممیزها

لیتر، تن، کیلو (کیلوگرم)، گرم، من، خروار، مثقال، سیر و ... (برای وزن و مقدار)، فرسخ، میل (= مایل)، کیلومتر، سانتی‌متر، میلی‌متر و ... (برای طول و مسافت و فاصله)، دست (برای تعداد معینی از لباس دوخته، میز و صندلی، ظرف و ...)، توپ، طاقه، قواره (برای